

این نوشته که پیش از اعتصاب عمومی اخیر در یونان که کل جامعه را به مدت 48 ساعت از حرکت بازداشت، بوسیله شورای سردبیری نشریه مارکسیستی (foni) در یونان نوشته شده است. من این نوشته را از سایت دفاع از مارکسیسم به انگلیسی انتخاب نموده و با استفاده از ابزار ترجمه ای گوگل به فارسی برگردانده ام. من مدعی نیستم که این ترجمه بدون نقص است، ولی کوشش نموده ام که مطابق با اصل باشد. به عقیده ی من این نوع مطالب و بویژه در این مرحله می توانند برای طبقه کارگر ایران مفید باشند و من هم با این درک و با تمام کمبود هایم ترجمه این نوع مطالب را وظیفه خود دانسته و سعی ام را می کنم.

این ترجمه تقدیم می شود به کارگران زندانی و بویژه شاهرخ زمانی و محمد جراحی که تازه ترین زندانیان می باشند که اعلام شده اند. فعالین کارگری و کارگران فعالی که به جرم دفاع از منافع طبقاتی طبقه خود در زندانهای مخوف رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی سرمایه و زیر شکنجه های وحشیانه هستند. کارگرانی که بر این امر واقف اند که طبقه شان بدون داشتن تشکلات توده ای طبقاتی متکی بر نیروی طبقاتیشان و برای پیشبرد یک مبارزه همه جانبه (ستیز و نبرد طبقاتی) راه به جایی نمی برد. این انسان های تولید کننده نعم مادی که خود از محروم ترین می باشند، برای این امر از تمام هستی شان مایه گذاشته و می گذارند. در مقابل اراده پولادین شان جز سپاس چیزی ندارم. با این آگاهی و امید که زندانها ویران و انسانیت بدست طبقه کارگر آزاد می شود.

حمید قربانی

8 یولی 2011

دولت یونان زنده ماند اما طبقه کارگر خود را برای اعتصاب عمومی 48 ساعته آماده می کند.

نوشته شورای سردبیری نشریه ی مارکسیستی فونی (foni) آتن 5 شنبه 23 ژوئن 2011

اعتصاب عمومی با قدرت روز 15 ژوئن نشان داد که توده های طبقه کارگر یونان نفرت عمیقی از وضعیت کنونی دارند. این بعنوان یک اخطار برای طبقه حاکم بس بود. این فقط یک اعتصاب معمولی نبود بلکه اقدامی با محتوای انقلابی بود. اعتصاب باعث شد که آنها با سرعت یک دولت ائتلافی را سر هم یندی کنند. آنها با هم شدند تا بتوانند بر کل جنبش سلطه بیابند اما هیچ فایده ای نداشت.

دولت سوسیال دموکرات و حزب نیو دموکراسی (حزب راست ترین جناح بورژوازی یونان - مترجم) از گجی و در زیر فشار - یا در حقیقت سفارشات - سه جانبه (trojka)، کوشش کردند که یک دولت ائتلافی در بعد از ظهر روز اعتصاب عمومی 24 ساعته به وجود بیاورند که در پارلمان پایگاه قوی تری برای اجرای "کار کثیفی" داشته باشند که تا کنون حزب سوسیال دموکرات (پاسوک) به تنهایی پیش برده است.

اما جنبش قوی ای که در آن طبقه کارگر و جنبش کارگری اکثریت را دارد، تخیلات آنها را از پنجره به بیرون پرت نمود. مخصوصاً اینکه این کار بوسیله هزاران انسانی که در بعد از ظهر روز 15 ژوئن در میدان (syntagmaplatsen) جمع شده بودند، انجام گرفت. این اقدام توده های کارگر و زحمتکش در حالی انجام گرفت که دولت کوشش و افری بوسیله فرستادن مأموران امنیتی خود در

لباس تحریک کننده و مزاحم به میان تظاهرکننده برای بر هم زدن تظاهرات توده ای نمود. طبقه کارگر و مردم زحمتکش در این روز و با این کارعلائمی را به روشنی بروز دادند که مصمم هستند جلوی اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی بایستند. همین مصمم بودن باعث شد که حزب نیودموکراسی برای شرکت در دولت دچار تردید و دودلی بیشتر شود.

رهبری نیودموکراسی که در همه جهات دارای سیاست راست تراز دولت کنونی است. از این وحشت دارد که با شرکت در دولت ائتلافی در زمانه ای که بیشترین تعداد افراد در جنبش شرکت داشته و از آن پشتیبانی می کنند خود را نزد توده ی مردم از اعتبار انداخته و نتواند در آینده بعنوان نجات دهنده ای برای سرمایه داری مریض یونان کار آمد باشد. این بیان کننده این است که چرا آقای سمراس (Samaras) شرایطی را مطرح کرد که نمی تواند در حقیقت مورد پذیرش دولت و یا طرفین سه جانبه قرار گیرد. پس او از روبرو شدن با توده های وسیعی که از دولت پاپاندرو (Papandreou) نفرت دارند، بدستی اجتناب ورزید.

تجدید سازمان دولت و اهداف آن

بلافاصله پس از شکست مذاکرات با نیو دموکراسی در باره توزیع پست ها و تشکیل دولت ائتلافی، دولت خود را در فشار دید که از یک انتخابات زود رس که باعث بتاخر افتادن رأی گیری در پارلمان در مورد سیاست "میان دوره ای نقد و بررسی" می شد، جلوگیری نماید. این سیاست را با استفاده از فوت و فن قدیمی تجدید سازمان دولت اجرا نمود.

نخست وزیر یونان و طبقه حاکمه وحشت دارند که رأی گیری در مورد "برنامه میان دوره ای نقد و بررسی" را در شرایطی که از نظر سیاسی کشور در حالت بی ثباتی قرار دارد، به تأخیر بی اندازند. شرایطی که در آن قوی نمودن برنامه "سه جانبه" و امکان دادن یک وام جدید "کمک" به یونان یا باقی مانده وام قدیمی هم اکنون بی معنی و مفهوم شده است.

یک پدیده (المنت) دیگری نیز وجود داشت که آنها را در مورد مفید بودن آلترناتیو تجدید سازمان دولت به توافق می رساند. آنها نیازمند فرصت استثنائی بودند که از لغو یک دولت بوسیله جنبش توده ای جلوگیری کنند. چیزی که در آینده موجودیت یک دولت تازه سرمایه در یونان را ضعیف می کند.

تجدید سازمان دولت این هدف را دنبال می کند که ا پوزیسیون دولت جانشین آنها به جای دولت نفرت برانگیز جورج پاپاندرو قوی کند، دولتی که مورد علاقه مرکز بزرگ مدیای آقای واجیلز وینیزلیوس (Vagelis Venizelos) است. هدف این است که حزب سوسیال دموکرات (پاسوک) را متحد و زیر کنترل طبقه حاکم نگه دارند. با وجود تمام این ها، طبقه حاکمه این را می فهمد که تجدید سازمان دولت نمی تواند مشکلات خود را حل کند. آنها هیچ توهمی به اینکه مردم به راحتی میدان را تحویل می دهند ندارند. آنها با وحشت به نظر سنجی جدید نگاه می کنند، که با وجود دورغ های مدیای رسمی شان که بیشتر از دو میلیون نفر (از 11 میلیون جمعیت کشور) در جنبش توده ای شرکت دارند، آنها می توانند ببینند که یک دولت ائتلافی از پاسوک و نیودموکراسی قادر نیست توجه مردم را جلب کند. بر طبق نظر سنجی که بوسیله مؤسسه کاپا رسیرج (Kappa Research) در دو ماه قبل به سفارش روزنامه تو ویما (To vima) انجام گرفته است، فقط 8% از مردم از آلترناتیو دولت ائتلافی پشتیبانی می کنند.

طبقه بورژوازی یونان و حامیان بین المللی اش در "سه جانبه" اکنون هیچ آلترناتیو دیگری جز اینکه با تمام قدرت از این دولت "رفرم شده" پشتیبانی نمایند ندارند، دولتی که دیروز از پارلمان رأی اعتماد گرفت. همزمان آنها درک کرده اند که رهبری در نیروهای چپ (KKE, Syriza) سیاست اشتباه آلود خویش را مبنی بر تقاضای یک انتخابات عمومی زودرس که برای الیت حاکم هیچ خطری در بر ندارد را، دنبال می کنند.

در حالیکه آنها سودهای هنگفتی می برند ما بر نامه "میان مدت" را داریم . در صفحات 68 تا 72 بودجه دولت در سال 2011 اطلاعات زیر موجود است:
الف- هزینه برای حقوق ها و بازنشستگی ها نباید بیشتر 19/8 میلیارد یورو باشد.
ب- در آمد قاعده مند دولت 56 میلیارد یورو برآورد شده است.
ث- مبلغ کل پرداختی بابت وام های دریافتی به 62 میلیارد یورو خواهد رسید.
این ارقام به روشنی نشان می دهند که نه وام های گرفته از "سه جانبه" و نه خصوصی کردنها و کاهش های بودجه هیچکدام برای پرداخت حقوق ها و هزینه باز نشسته ها نیستند بلکه آنها بوسیله کوسه های وام- وام دهندگان خانگی و بیگانه بلعیده خواهند شد.

برنامه "میان دوره ای" آخرین میوه ی چنین سیاستی است. که شامل ریاضت اقتصادی همه جانبه، پس اندازهای روزافزون و خصوصی کردنها به ارزش 282600000000 یورو، یا 12% تولید ناخالص ملی در یونان برای سال های 2011 تا 2015 می باشد.

معنی کنکرت آن چنین است:

کسری حقوق ها به مبلغ 2،2 میلیارد یورو.
کسری مزایای بازنشستگی و دیگر تأمینات اجتماعی به مبلغ 5 میلیارد یورو.
بالا بردن مخارج کارگران و بازنشستگان از بابت بیمه های اجتماعی به مبلغ 3 میلیارد یورو.
بالا بردن مالیاتها، کاهش در مزایای اجتماعی و مالیات جاده ها که به بیشتر از 6 میلیارد یورو می رسد.

از فروش اموال دولتی- خصوصی کردنهای عظیم بالاتر از 50 میلیارد یورو خواهد شد.
در طرف دیگر، در زمانی که کارگران رنج می کشند که ربح رباخواری را پردازند، طبقه حاکمه یونان گل از گل اش شکفته می شود. نکات زیر این را نشان می دهند: کشتی سواران (فروشنندگان و خریداران) یونانی از 44 مورد کاهش مالیات از طرف دولت برخوردار می شوند. در 5 ماهه اول سال 2011 بوسیله فروختن و خریدن انواع گوناگون کشتی ها در سراسر جهان، بیشتر از مبلغ 9،1 میلیارد یورو سرمایه گذاری برای خرید 64 کشتی از همه نوع کرده اند. این را گزارش های بنگاه فروش و خرید مؤسسه متحده (Shipbroking) نشان می دهد.
از سال 2004 تا 2009 دارائی بانک ها از 275 به 579 میلیارد یورو رسید. این یعنی دو برابر تولید ناخالص ملی!
در سال های اخیر مالیات بر سود کارخانه ها و شرکت های بزرگ از 40% به 20% تقلیل یافته است.

سالانه به گزارش دولت فرار از مالیات طبقه متوسط 50 میلیارد یورو بر آورد شده است.
اداره مالیات برآورد می کند(نشریه 11/5/2009 Ta Nea) که تعداد کارخانه ها و شرکت های دور از ساحل در یونان به 10 هزار می رسد که سالانه مبلغ 500 میلیارد یورو سرمایه گذاری می کنند

اعتصاب عمومی 48 ساعته باید به مقدمه ای برای اعتصاب همگانی سیاسی تبدیل گردد.
مهمترین رخداد روزهای اخیر این است که جنبش طبقه کارگر به طور واقعی وارد صحنه مبارزه شده است. اکنون جنبش کارگری در یک ضد حمله و به طور فعال در رأس جنبش توده ای قرار گرفته است.

ما در ششم بونی شاهد یک اعتصاب عمومی در بخش عمومی(دولتی) بودیم که تمام کشور را از حرکت باز ایستاند. روز بعد از آن سازمان اتحادیه ای بخش عمومی برق (GENNOP-DEI) اعتصاب عمومی 48 ساعته در جریان را اعلام نمود.

در هفته گذشته (اتحادیه کارگران شهرداری ها (POE-Ota) اعلام پشتیبانی از اعتصاب سیاسی نمود که همه را در بر بگیرد (همه در اعتصاب). در روز 15 یونی در یک ضد حمله توده ای از طرف جنبش کارگری ما شاهد یک اعتصاب عمومی 24 ساعته بودیم که حرکت در کشور را متوقف نمود.

اکنون، هنگامی که طبقه کارگر چهره خود را زخمی شده از طرف دولت می بینید (آنها گاز گرفته اند بوسیله دندانهای تیزشان) بعد از اعلام برنامه "گزارش میان مدت"، بعد از تجدید سازمان دولت، خود را آماده یک حمله جدید کرده است. این که رهبری اتحادیه کارگری (GSEE) درست در زمانی که در پارلمان بحث در باره رأی گیری در مورد برنامه "گزارش میان مدت" می باشد، اعلام یک اعتصاب عمومی 48 ساعته را نموده است، نشان از فشاری دارد که از طرف بی چیزان و پایمال شدگان به رهبری بوروکرات اتحادیه وارد می شود. این، درجه آمادگی و از خود گذشتگی کارگران را نشان می دهد که آماده شرکت در یک مبارزه تعیین کننده هستند.

پشتیبانی از یک اعتصاب عمومی سیاسی (همه در اعتصاب) در میان توده ها گسترش وسیعی یافته است و این شعار اکنون به تنها نیازی تبدیل شده است که می تواند به تقاضای کنونی و روزانه جواب دهد و باید فراخوانده شود. اعتصاب عمومی 48 ساعته ی فراخوان داده شده از طرف (GSEE) بهتر است به یک اعتصاب همگانی سیاسی فرا روید. ولی چگونه کارگران و جوانان چنین اعتصاب عمومی و غیر معمولی را می توانند سازمان دهند؟

کارگران و جوانان مجامع عمومی (نشست ها، ملاقاتهای) عمومی محل کار و محل زندگی را ایجاد می کنند که اقدامات لازمه محلی را سازمان می دهند، که در یک همکاری با دیگر کمیته ها، کمیته را در سطح شهر و ملی سازمان می دهند که کمیته ی سراسری، اقدامات و برنامه های عملی را در سطح ملی و مرکزی ایجاد، طرح ریزی و اجراء می کنند. کمیته های اعتصاب باید که یک کمپین سراسری راه اندازی نمایند که وظیفه تبلیغ اعتصاب و شرکت در آن را در مکانها و شرکت های خصوصی را بعهده بگیرند که از داشتن اتحادیه و سندیکا محرومند و اینکه تودهها را تشویق و ترغیب به شرکت و تبلیغ اعتصاب عمومی 48 ساعته و دیگر اقدامات مبارزاتی و آگاهگرانه نمایند. اگر شرکتی جرئت کرده و کارگرانی را که در اعتصاب شرکت می کنند، اخراج نموده و یا محرومیتی برایشان ایجاد کرد باید که چنین شرکت هائی را زیر نظر گرفت و اقدامات مقتضی انجام داد.

در یک اقدام مشترک، کارگران و نشست های عمومی مردمی دست به اقدام زده و ارگانهای پشتیبان اعتصاب کنندگان را به وجود بیاورند، آشپرخانه های عمومی را ایجاد کنند که در موقعیت های لازم به یاری خانواده هائی بشتابند که برای زنده ماندن نیازمند غذا و دیگر مایحتاج اولیه زندگی هستند.

نگهبانان اعتصاب را در تمام مکانهای کاری بوجود آورند. در همکاری و اقدام مشترک نگهبانان اعتصاب و کمیته ها و گردهم آئی های مردمی فوران ارگان حفاظت از چهار راه و میدان بزرگ مرکزی شهر (Syntagma) را با وسائل ضروری به وجود آورند. تا بتوان

از تظاهرات توده ای در برابر اقدامات، سرکوبگری ها و تحریک کننده های پلیس حفاظت کرد.

این اعتصاب سیاسی همگانی (همه در اعتصاب) سؤال جا به جایی قدرت سیاسی را مطرح می کند، پس باید جنبش خود را برای جواب دادن به چنین سئوالی آماده کند و جواب روشنی بدهد. آن کمیته اقدام ملی که از همکاری، همبستگی و پیوستن کمیته های محل کار کارگران و کارمندان و مجامع عمومی مردمی شکل می گیرد، باید آماده برای جانشینی قدرت "trojka" سه جانبه (احزاب سوسال

دموکرات و نیودموکراسی، اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول یعنی دولت سرمایه داران ملی و بین المللی - مترجم) باشد و کلیه ثروت های پولی و غیر پولی، بنگاههای بزرگ تولیدی و خدماتی و بانک های کشور را به زیر کنترل توده ها در آورد.

رهبری چپ آنچه را که در حقیقت مورد نیاز و ضروری است را رها کرده است.

رهبری حزب کمونیست (KKE) و سیریزا (Syriza) به جای دخالتگری در جهت قوی و مستحکم نمودن جنبش در جهت ضدیت با اوضاع کنونی و تغییرات رادیکال و اساسی انقلابی در جامعه در خواست انتخابات عمومی هر چه زودتر را دارند.

این در خواست های سیاسی که آنها می کنند، در برابر چشمان توده ها در جهت و به نفع احزاب بورژوائی مانند نیو دموکراسی، لاوس و اتحاد دموکرات می باشند، که انتخاب را بعنوان آخرین راه چاره برای ایست جنبش توده ای می دانند. احزاب چپ با این شیوه نگرش، این پیام را به بیرون از خود ارائه می دهند که آنها حاضرند برای بدست آوردن پوزیسیون و داشتن چند نماینده در پارلمان بورژوائی، منافع جنبش توده ای را به حراج گذارند. آنها به جنبشی پشت می کنند که هم اکنون رژیم غیر دموکراتیک بورژوائی را تهدید به نابودی می کند.

این تکرار بیهوده و خسته کننده انتخابات عمومی زودرس از طرف احزاب چپ، در زمانی که جنبش توده ای در جهت گسترش و توسعه سیاست خویش و نیز آماده شدن برای سرنگونی رژیم است، نه فقط راه باز کردن برای دولت دموکراتیکی نیست که از دورن همین انتخابات عمومی به وجود بیاید بلکه به طور روشن این را افشاء می کند که از یک طرف آنها خواستار گرفتن قدرت سیاسی نیستند و از طرف دیگر نه اینکه خدمتی به جنبش توده ای جاری نیست، در عین حال ضربه مهلکی بر هر دو هم جنبش توده ای و هم چپ و اعتبارش در جامعه و در افکار عمومی می باشد. این سیاستی به نفع طبقه حاکمه و به ضرر چپ است.

این یک فاکت حقیقی است که رهبری حزب کمونیست و سیریزا هر دو که در خواست برگزاری انتخابات زودرس را دارند، همان پوزیسیون را نسبت به جنبش توده ای ندارند. پوزیسیون حزب کمونیست به طور آشکار و روشن نسبت به جنبش توده ای دشمنانه است. رهبری حزب کمونیست تلاش زیادی می کند که زحمتکشان کمونیست را از جنبش توده ای جدا کرده و آنرا ایزوله نماید. منشی حزب کمونیست از نامیدن جنبش توده ای کنونی بعنوان یک جنبش خود داری کرده و شرکت کنندگان در آن را از "متحدین" سابق احزاب نیودموکراسی و حزب سوسیال دموکرات می داند.

از طرف دیگر رهبری سینازپیموس (و سیریزا) در قبال جنبش توده ای یک سیاست پشتیبانی پاسیو را اتخاذ نموده است، زیرا مایل است که در انتخابات آینده از پشتیبانی شرکت کنندگان در جنبش جاری بهره مند گردد.

پس، برای اینکه بدانیم رهبران حزب کمونیست و سیریزا چه سیاست دخالتگرانه سازنده ای در قبال یک جنبش توده ای که هر روز از روز قبل انقلابی تر می شود، باید داشته باشند؟ یعنی سیاست دخالتگرانه انقلابی کمونیستی چیست؟ بهتر است و ارزش این را دارد که برگزیده های مرتبطی را از کمونیست انقلابی برگزیده و نقل نمائیم:

"برای اینکه از امکانات خوب استفاده مفید را ببریم، ضروری است که یک تمایل انقلابی، یک مغز تصمیم گیرنده که مایل به مسلط شدن است، یک رهبری جسور، با هوش و حساس... داشته باشیم

" احتیاج نیست که متدهای مبارزاتی را اختراع و ایجاد کنیم. آنها را تاریخ مبارزه طبقاتی جهانی جنبش کارگری ارائه داده است....

یک مبارزه پر تپش و متمرکز طبقه کارگر و فشار آوردن به یک نقطه، سخنرانی های واقعی سوسیالیستی از تریبون پارلمان، نه وسیله ای برای رام کردن نمایندگان بلکه بعنوان رهبران مردم، برای اهداف انقلابی، استفاده از هر فرصت مبارزاتی انتخاباتی، جلسات حضوری متعدد نه برای اینکه توده ها شنونده بلند گوها باشند بلکه برای اینکه توده ها شعارهای انقلابی را برای زمان مناسب فرا بگیرند، بوجود آوردن و قوی نمودن یک ملیس انقلابی؛ تظاهرات سازمان یافته برای روبیدن نیروهای ارتجاعی از خیابانها، اعتصابات اعتراضی، یک کمپین باز برای متحد کردن و گسترش دادن یک رهبری اتحادیه ای در زیر چتر و شعار پیش بردن یک مبارزه ی طبقاتی لجوجانه و جدی، اتخاذ یک سیاست و ترویج و تبلیغ همیشگی آن برای تأثیر گذاری بر ارتش و برگرداندن آن به طرف مردم، یک نبرد گسترده برای جلب هر چه بیشتر تودهها، تظاهرات با قدرت بیشتر، اعتصاب عمومی کارگران شهر و روستا، یک سیاست تعرضی همگانی.... برای قدرت گرفتن بوسیله کارگران و دهقانان....

" هنوز زمان آماده شدن برای پیروز شدن وجود دارد.... با هر کلمه جسورانه از اعماق پژواک گام های توده ی بزرگ شنیده می شوند، هر شعار واقعی انقلابی جواب خود را می گیرد. توده ها تمایل به مبارزه کردن را دارند.

" امروز زمان اتحاد بین پارلمانتاریست ها و روزنامه نگاران نیست، بلکه تنفر و نفرت مشروع و خلاق ستم کشیده بر ضد ستمکار تعیین کننده تاریخ است. ضرورت برگشت به سوی توده ها هست، در جهت عمیق ترین لایه های اجتماعی روی باید برگرداند. ضرورت دارد که احساسات آنها را درک و از احساس آنها بهره گرفت. ضرورت دارد که " احتیاط" های تعقلی را که مترادف با بزدلی و بی شهامتی است و در نقاط بزرگ ورق خوردن تاریخ روی به خیانت دارند را کنار گذاشت....» (لئو تروتسکی، فرانسه به کجا می رود؟ 1934)

چشم انداز ها

اکنون همه چیز بروشنی وجود دو پدیده مسلط را در آینده نزدیک اوضاع یونان نشان می دهد: راه ناهموار و سخت ورشکستگی سرمایه داری یونان و تقویت جنبش توده ای. در جامعه یونان عدم اطمینان سیاسی و توسعه یافتن اوضاع انقلابی، در همبستگی با تهدید فروپاشی اقتصاد(بر طبق گزارش ELSTAT تولید ناخالص یونان در انتظار سقوط 5% است) و بیکاری توده ای، با هشتصد و بیست هزار بیکار ثبت نام شده، بدون وابستگی به امکان بستن قرار داد دادن یک وام جدید، چشم انداز ورشکستگی سرمایه داری را در یونان گشوده است.

در حال حاضر امپریالیست ها برای حفاظت از بانک های بزرگ اروپا و برای جلوگیری کردن از تأثیرات دومینویی در ورشکستگی های بیشتر و کساد جدید بازار مایل به "نجات" کشور یونان هستند. اما باید دانست امکان سقوط و کساد جدید بازار جهانی تنها به یونان وابسته نیست. و نیز تنها کشور یونان نیست که منبع خطر برای اقتصاد اروپا و گلوبال است، زیرا که بدهکاری افزایش یابنده دولت ها یک پدیده همگانی است.

در حال حاضر و در محافل جهانی سرمایه هستند کسانی که فکر اینکه تنها "بیماری" ورشکستگی یونان را تهدید می کنند را رها کرده باشند- بعنوان مثال امکان جمع و جور کردن اعتبارات در ایتالیا را- یا اینکه تنها یونان است که نمی تواند قروض خود را بپردازد. آنها اکنون این را نیز درک کرده و شروع به فهم این نموده اند، که در یونان به همراه "donatorer\partners" نابسامانی اقتصادی در مظان سرایت "مد" یک شورش مردمی باشد.

این همزمان است با اینکه جنبش توده ای بیشتر به خود اطمینان می یابد و شروع به درک این کرده است که می تواند یک فاکتور تعیین کننده در پیشرفت اوضاع سیاسی باشد. جنبش توده ای در یونان یک ماه است، در میدان جریان دارد. طنز در این است که مدیای بورژوازی هنوز این جنبش را به نام سابق اش یعنی "طغیان" می نامد. حقیقت اما، این است که ما امروزه با انسان هائی طغیانگر و نا فرمان فقط روبرو نیستیم، بلکه با اکثریت جمعیت یونان: کارگران، بیکاران، جوانان، بازنشستگان، زنان خانه دار، انسانهائی که زندگی شان بر اثر بحران کنونی ویران شده و ضربات وحشتناکی خورده است، روبرو هستیم.

آن چه را که ما امروز داریم توده های مردمی هستند که در شرایط عادی در گوشه ای باقی مانده و خارج از زندگی سیاسی قرار دارند، داراماتیک این است که اکنون آنها در میدان هستند و مایلند که آینده خود را تعیین، پیشرفت و شکل دهند. که پیشرفت را خود سازمان داده و آنرا بدست توانای خویش فرم بخشند. شیوع این جنبش توده ای موقتی نیست. به نظر می رسد که دوران جدیدی شروع شده است، که مشخصه اش این است که ما در برابر بن بست تاریخی سرمایه جهانی قرار گرفته ایم. که سرمایه دیگر حتی از بر آوردن ابتدائی ترین نیازمندی های اساسی کارگران و توده های زحمتکش هم عاجز است.

ورود توده های یونانی به صحنه مبارزه در تاریخ این کشور مسئله غیر منتظره و ناگهانی نیست. زمینه های این جنبش توده ای در این دهه در جامعه یونان آماده شده بود و جنبش هائی نیز اتفاق افتاده بودند که اکنون خود را به این صورت اعلام می کند.

اولین نشانه روشن در اینکه یک چیزی در جامعه دارد تغییر می کند، جنبش اعتصابی موقتی بود که در سال 2001 در مخالفت با اصلاح قانون بیمه های اجتماعی دولت سیمیتیز(پاسوک) رخ داد. این جنبش منجر به مرگ دولت سوسیال دموکرات گردید. یک شاخص بزرگ دیگر جنبش ضد جنگ بود، با تظاهرات توده ای بر علیه اشغال عراق بوسیله ی امپریالیسم آمریکا و متحدین اش در سال 2003. قبل از اینکه ما با دو جنبش رادیکال روبرو شویم می توان گفت که یک دوره کوتاه تنفسی موجود هست. این دوره کوتاه با جنبش های رادیکال شده ی دانش آموزی در سال های 2006 و 2007 به پایان می رسد. حال نوبت به جنبش دانشجویی در ضدیت با خشونت پلیس (کشتن یک جوان) در دسامبر 2008 می رسد. در خاتمه ما به اعتصابات می رسیم. از آنجمله می توان به اعتصاب عمومی در سال 2008 اشاره کرد که نشان از به نقطه جوش رسیدن خشم توده های کارگر داشت.

اکنون دیگر کارگران، بیکاران و جوانان "شورشی" به یک فاکتور تعیین کننده در اوضاع سیاسی کشور تبدیل شده اند، با توجه به اینکه آنها می خواهند برنامه (میان مدت) پیاده کنند، توده ها خود را به دور شعار (به این نباید اجازه گذر داد)، متحد کرده اند. و اما یک مسئله موجود هست و آن اینکه فعالین این جنبش باید بدانند و درک نمایند که تسخیر چند متر مربع و چندین اعتصاب عمومی 24 ساعته برای به عقب راندن دولتی که بوسیله بزرگترین و قدرتمندترین امپریالیست های روی زمین حمایت و پشتیبانی می گردد، کافی نیست. برای پیروزی بر چنین دولتی و با این پشتیبانان قوی و بیرحم، ایست دادن به برنامه هائی که استاندارد زندگی ما را در هم می شکند، احتیاج به یک مبارزه طولانی و تلخ است. چیزی که آنها برای متوقف کردن آن میلیاردها در همه جهان سرمایه گذاری

کرده اند. مبارزه ای که باید هدف اش سرنگونی این دولت و جانشین کردن آن با دولت جدیدی باشد که برنامه ای برای فسخ قرض های وحشیانه داشته و نیز بانک ها و شرکت های بزرگ را تحت کنترل کارگران قرار داده و برنامه های دموکراتیک اقتصادی را به اجراء گذارد که بتواند همه دارائی ها را به زیر کنترل انسانهای کارگر قرار دهد. و چونکه یونان در زنجیره ی کاپیتالیسم اروپائی ضعیف ترین حلقه است، در دل این بحران اقتصادی جهانی سرمایه داری، مبارزه ما باید جزئی از مبارزه بین المللی باشد و ما باید آنرا چون گامی در جهت پیروزی سوسیالیسم در اروپا و جهان بدانیم.

آدرس مطلب به انگلیسی

<http://www.marxist.com/greek-government-survives.htm>

پس نوشته

به باور من، طبقه کارگر برای پیروزی بر طبقه بوژوا و نابودی سیستم استثمارگر طبقاتی سرمایه بر چند مسئله می باید تأکید نماید:

1 - اینکه بداند بدون یک مبارزه همه جانبه و طولانی و خونین متأسفانه که در مطلب زیر از آن بعنوان " مبارزه طولانی و تلخ" یاد شده است، پیروزی اش حاصل نمی شود.

2 - این مبارزه آگاهانه، طولانی و خونین بدون تشکیلات در برابر سازمان یافته ترین دشمن طبقاتی تاریخی هر چند فداکارانه و از خود گذشته باشد راه به جایی نمی برد. این تشکلات را آموزگاران این طبقه اساس ان چنین نامیده اند: الف سازمان صنفی و یا برای رسیدن به خواست های روزمره، در چهارچوب نظام طبقاتی موجود که بیشتر از همه بر مبارزه اقتصادی طبقه یعنی اعتصاب و کم کاری و امثال آن متکی است که لنین اعتصاب را بویژه "مدرسه مبارزه طبقاتی" نامیده است که با خود مبارزه سوسیالیست طبقه متفاوت است سازمان این شکل از مبارزه اتحادیه و سندیکا های کارگری می باشند. ب- سازمان حزبی که اساس ان مبارزه طبقاتی سوسیالیستی ی طبقه کارگر بر علیه طبقه سرمایه داری یعنی سازمانی که بر نیروی کل طبقه کارگرمتکی است و وظیفه اصلی اش این است که مبارزه طبقاتی را تا بر انداختن و منهدم نمودن دولت بورژوائی و پایه گذاری دولت کارگری (دیکتاتوری پرولتاریا) که بهترین شکل آن شوراهای طبقه کارگر و متحدین اش است راهنما و تجمع دهنده نیروی طبقه باشد. حزب طبقه کارگر که آگاهترین و بر این مبنا مصمم ترین و بهترین عناصر طبقه را در خود جمع نموده است حزبی که از دورن مبارزه طبقاتی حی و حاضر جوشیده و تئوری مارکسی لنینی راهنمایش است. چنین سازمان حزبی که اساس ان در موجودیت دولت بورژوائی و بویژه در کشورهایی مانند ایران بر یک مبارزه مخفی علنی متکی است نه تنها قبل از منهدم نمودن دولت بورژوائی و گرفتن قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر و متحدین آن مورد نیاز است بلکه در ایام موجودیت همین دیکتاتوری پرولتاریا بایده تواند نقش روشنگرانه، خویش را حفظ کند. ب- سازمان قدرت سیاسی طبقه یعنی دیکتاتوری پرولتاریا، که بیشتر از همه چیز برای حفظ پیروزی های پرولتاریا بر علیه بورژوازی خودی و بین المللی و در اصل پیش بردن مبارزه طبقاتی تا نابودی بنیانهای این مبارزه یعنی طبقات که خود ناشی از موجودیت مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است و اجرای مالکیت اجتماعی و نابود شدن دولت که در این مرحله از آن بعنوان " مضمحل شدن و به خواب رفتن دولت یاد می شود و نه بر انداختن و غیره و بنادگذاری یک جامعه ای که بر پرچم اش این شعار حک شده است: " از هرکس به اندازه نیرویش و به هر کس به اندازه نیاز اش".

3- سیاست و استراتژی حاکم بر این تشکلات و یا هر تشکل دیگر طبقه نمی تواند اساس آن به جز ستیز و نبرد طبقاتی باشد. صلح و سازش طبقاتی جز محرومیت و فلاکت در نهایت برای طبقه کارگر ثمری نداشته و ندارد.